



کاش قبل از ازدواج می دانستم...

میرنده: کری میمن

www.ketab.ir

پدیدآورنده: چپمن، گری، ۱۹۳۸ م - Ghapman, Gary

عنوان: کاش قبل از ازدواج می دانستم...

تکرار نام پدیدآورنده: نویسنده: گری چپمن

مشخصات نشر: قم، آتریس - شهرپور، ۱۳۹۰

۱۱۲ ص.

ISBN : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۷۲۳ - ۱۷ - ۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت عنوان اصلی به انگلیسی:

Things I wishid known Befor we cotmarried

موضوع: ۱. زناشویی ، ۲. زناشویی - روابط ، ۳. ازدواج

شناسه افزوده احمدی جاوید ، طبعه ، - مترجم

رده دیویی: ۷۸ / ۶۴۶

رده کنگره: ۱۳۹۰ الف ۴ گ / HQ ۷۳۴

انتشارات

آتریس

کر بخیر چشمه

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۶۶۹۱-۳۷۸۳۶۶۹۲

همراه: ۰۹۱۲۱۵۱۳۸۱۸ - ۰۹۱۲۱۵۱۱۱۱

کاش قبل از ازدواج می دانستم...

مؤلف: گری چپمن

تیراژ / چاپخانه: ۵۰۰ نسخه / علوی

قطع / تعداد صفحات / صحافی: رقعی / ۱۱۲ صفحه / براتی

نوبت چاپ / قیمت: اول، زمستان ۱۳۹۲ / ۴۲۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۳-۱۷-۴

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص کتاب چشمه می باشد.

گیلان / لاهیجان / آقای پورابراهیم تلفن: ۰۱۴۱-۳۲۲۸۹۰۹

شیراز / کازرون / آقای رستمیان تلفن: ۰۷۲۱-۲۲۱۴۵۷۰

مازندران / ساری / آقای احمدی تلفن: ۰۹۱۱۱۵۸۲۸۵۴

فهرست

۵ مقدمه

۹ فصل اول:

کاش می دانستم که تنها عشق برای ساختن یک زندگی زیاده است
زناشویی موفق کافی نیست

۱۵ فصل دوم:

کاش می دانستم که عشق، منتیک و خیال انگیز دو
مرحله دارد

۲۵ فصل سوم:

کاش می دانستم که ضرب المثل های «از آن مادر این»
دختر هم به عمل می آید» و «از آن پدر این پسر هم به
عمل می آید» افسانه نیست

۳۳ فصل چهارم:

کاش می دانستم که چگونه اختلاف نظر ها را بدون
مشاجره حل کنم.

۴۳ فصل پنجم:

کاش می دانستم که عذرخواهی نشانه ای از قدرت است

۵۵

فصل ششم:

کاش می دانستم که بخشش یک احساس نیست

۶۵

فصل هفتم:

کاش می دانستم که توالت ها به خودی خود تمیز
نمی شوند

۷۳

فصل هشتم:

کاش می دانستم که ما برای استفاده از پول خود به برنامه
ریزی نیاز داریم.

۸۱

فصل نهم:

کاش می دانستم که با یک خانواده وصلت می کنم

۹۳

فصل دهم:

کاش می دانستم که شخصیت تاثیر بسیار زیادی روی
رفتار دارد.

۱۱۱

کلام آخر

مقدمه

در دوره‌ی کارشناسی، رشته‌ی تحصیلی من مردم شناسی بود. بعدها مدرک فوق لیسانس خود را نیز در همان رشته گرفتم. هم اکنون بیش از چهل سال است که به مطالعات خود بر روی فرهنگ‌های مختلف بشری ادامه داده‌ام. این یک نتیجه اجتناب‌ناپذیر و حتمی است که ازدواج میان یک زن و یک مرد پایه و اساس تمام جوامع بشری می‌باشد. واقعیت این است که وقتی بچه‌ها بزرگ می‌شوند، بیشترشان ازدواج خواهند کرد. هر ساله در ایالات متحده‌ی آمریکا، بیش از دو میلیون ازدواج وجود دارد؛ یعنی چهار میلیون نفر به طور رسمی با هم ازدواج می‌کنند و به سوال «آیا این شخص را به عنوان همسر قانونی خود می‌پذیری؟» پاسخ مثبت می‌دهند. تقریباً تمام این زوج‌ها انتظار دارند که «از آن به بعد با شادی در کنار یکدیگر زندگی کنند.» هیچ کس ازدواج نمی‌کند به این امید که بدبخت شود و یا همسرش را بدبخت کند. با وجود این، همه‌ی ما می‌دانیم که آمار طلاق در جوامع غربی همچنان در حدود پنجاه درصد است، و بیشترین آمار طلاق مربوط به طلاق‌هایی است که در هفت سال اول زندگی به وقوع می‌پیوندد.

مردم ازدواج نمی‌کنند تا طلاق بگیرند. طلاق نتیجه‌ی فقدان آمادگی برای ازدواج و عدم یادگیری مهارت‌هایی برای کار کردن با یکدیگر به عنوان دوست در یک ارتباط صمیمانه و دوستانه است. آنچه که عجیب و غریب به نظر می‌رسد این است که ما نیاز به تحصیل و آموزش را در تمام فعالیت‌های دیگر زندگی درک می‌کنیم و نیازی برای آمادگی قبل از ازدواج احساس نمی‌کنیم. اکثر مردم زمان بیشتری را صرف آمادگی برای شغل خود می‌کنند تا صرف آمادگی برای

ازدواجشان. بنابراین، تعجبی ندارد که آنها در راه رسیدن به هدفشان در فعالیت‌های شغلی خود نسبت به کسب شادی در زندگی زناشویی موفق‌ترند.

تصمیم برای ازدواج تقریباً نسبت به تمام تصمیمات دیگر در زندگی تأثیر بسیار بیشتری بر روی زندگی فرد می‌گذارد. با این همه، مردم با آمادگی بسیار کم و یا بدون هیچ‌گونه آمادگی برای داشتن یک زندگی موفق، همچنان برای ازدواج عجله می‌کنند. در واقع، بسیاری از زوجها توجه زیادی به چگونگی برنامه‌ریزی برای مراسم ازدواجشان می‌کنند، بدون اینکه برای زندگیشان برنامه‌ریزی داشته باشند. جشن ازدواج تنها چند ساعت طول می‌کشد، در حالی که ما امیدواریم زندگی زناشویی تا آخر عمر ادامه یابد.

این کتاب برای آموزش برنامه‌ریزی مراسم ازدواج نیست. کتابی است که به شما نشان می‌دهد تا چگونه یک ازدواج موفق داشته باشید. من سی و پنج سال گذشته از عمرم را صرف مشاوره با زوجها می‌کنم. به آنها می‌گویم که آرزویشان برای داشتن یک زندگی زناشویی شاد، در دنیای واقعی ظرف‌های کثیف، قبض‌های پرداخت نشده، برنامه‌های کاری ناسازگار و گریه‌ی بچه‌ها نقش بر آب شده است. بسیاری از این زوجها با کار سخت و ماه‌ها مشاوره به زندگی زناشویی خوبی دست پیدا کرده‌اند. به خاطر این مسئله شکرگزار هستم.

این اعتقاد من است که اگر این زوجها آمادگی بیشتری برای ازدواج پیدا می‌کردند، می‌توانستند از بسیاری از این مشاجرات پیشگیری کنند. به همین دلیل است که من این کتاب را نوشتم. من می‌خواهم که شما از اشتباهات آنها درس بگیرید. دشواری که در این کار احساس می‌کنید، بسیار کمتر از آن است که بخواهید از اشتباهات خودتان درس بگیرید. من می‌خواهم شما همان زندگی زناشویی پر از محبت و حمایت و سودمندی را برای هر دو طرف داشته باشید که آن را در ذهن خود می‌پرورانید. با وجود این، می‌توانم به شما اطمینان بدهم که این زندگی به یادگار ماندگار و لذت‌بخش خواهد بود.

رهنمون‌های مربوط به زندگی زناشویی اثبات شده را که این ازدواج را ممکن می‌سازد، کشف کنید و آنها را تمرین نمایید.

وقتی که به عقب باز می‌گردم و به سال‌های اول ازدوایم نگاه می‌کنم، آرزو می‌کنم که کاش کسی بود تا در آن زمان چیزهایی را که من می‌خواهم به شما بگویم، به من می‌گفت. صادقانه فکر می‌کنم که گوش می‌دادم. با وجود این، در نسل ما، مفهوم «آمادگی برای ازدواج» وجود نداشت. امیدوارم که صراحت من در مورد ازدواج خودم به شما کمک کند تا از برخی از رنج‌ها و شکست‌هایی که من و کارولین تجربه کردیم، اجتناب کنید.

این کتاب را نباید فقط به سادگی بخوانید. آن را باید تجربه کنید. هرچه بیشتر با واقعیت‌های بحث شده در این کتاب دست و پنجه نرم کنید و صادقانه افکار و احساسات خود را در مورد این موضوعات دخیل نمایید، برای عقاید یکدیگر ارزش قائل شوید و برای تفاوت‌های تازه حل‌های قابل اجرایی بیابید، در این صورت برای ازدواج آمادگی پیدا خواهید کرد. چنانچه شما این مسائل را نادیده بگیرید و این اعتقاد را پیدا کنید که احساسات وجد آمیزی که نسبت به یکدیگر دارید، به شما کمک می‌کنند، آنگاه خودتان را برای شکست آماده کرده‌اید. آرزوی من این است که شما آن چنان آماده‌ی ازدواج شوید که گویی مهم‌ترین ارتباط انسانی است که تا به حال داشته‌اید و قرار است داشته باشید. اگر بیشترین و بهترین توجه خود را به این امر بدهید، آنگاه در مسیری قرار می‌گیرید که می‌توانید بینید رویاهایتان در مورد شادی در زندگی زناشویی به حقیقت مبدل می‌شوند.

گری چپمن